

# پیکان شکسته؛ ایالات متحده چطور برای نخستین بار یک بمب اتم را گم کرد؟ - دیجیاتو

شایان ضیایی | جمعه، ۲۷ دی ۱۳۹۸

در سال ۱۹۵۰، یک بمب افکن آمریکایی B-36 در دوران صلح و طی یک ماموریت تمرینی، در بریتیش کلمبیای کانادا سقوط کرد. همراهش یک بمب اتم Mark IV بود، سلاحی که از نظر ابعاد تفاوت چندانی با بمب اتمی که در سال ۱۹۴۵ روی ناکازاکی افتاد نداشت. بنابر شهادت‌های اعضای زنده مانده خدمه، آن‌ها پیش از سقوط هواپیما بمب را رها و میان زمین و هوا منفجرش کردند. این سقوط نخستین مورد از حوادث «پیکان شکسته» بودند؛ عبارتی که ارتش آمریکا از آن برای توصیف حوادث مربوط به سلاح‌های اتمی استفاده می‌کند.

اما برای چندین دهه این سوال مطرح بود که آیا بمب بر فراز اقیانوس منفجر شد یا اینکه جایی در حیات وحش کانادا گم شده است؟ ۵ سال بعد از نخستین استفاده از بمب اتم برای اجبار ژاپن به تسلیم در جریان جنگ جهانی دوم، ارتش ایالات متحده داشت برای دوران تازه‌ای از رویارویی اتمی در جریان جنگ سرد آغاز می‌شد، با دشمنی که این بار جماهیر شوروی بود.

Convair B-36 نخستین بمب افکت بین‌قاره‌ای بود که می‌توانست سلاح‌های اتمی را به هر نقطه از جهان ببرد و مرکز فرماندهی استراتژیک هوایی ایالات متحده (یا به اختصار SAC) مشتاق بود این هواپیماهای تازه را با محموله‌های واقعی به بوته آزمایش بگذارد.

آزمایشی که افتضاح از آب در می‌آید



بعد از ماه‌ها لابی‌گری، رهبران SAC توانسته بودند کمیسیون انرژی اتمی را قانع کنند که یک بمب اتم Mark IV را بدون هسته پلوتونیومی‌اش در اختیار آن‌ها بگذارد. این بمب هنوز مقادیر بسیار زیادی از اورانیوم و مواد منفجره رایج را شامل می‌شد، اما قادر به ایجاد یک انفجار ویران‌کننده نبود.

در روز ۱۳ فوریه ۱۹۵۰، یک هواپیمای B-36 که به عنوان پرواز ۲۰۷۵ شناخته می‌شد، از مقر هوایی ایلسان در نزدیکی فیربنکس آلاسکا با ۱۷ خدمه بلند شد. این پرواز آزمایشی قرار بود بمباران شهری بزرگ در جماهیر شوروی را شبیه‌سازی کند. B-36 قرار بود مسیری ۵۵۰۰ مایلی را از آلاسکا به مونتانا طی کند، سپس به سان فرانسیسکو (یا به عبارت دیگر، هدف بمبارانش) برسد و در نهایت در مقر هوایی کارزول در تگزاس فرود آید.

اما ماجرا آن‌طور که برنامه‌ریزی شده بود پیش نرفت. مدت کوتاهی بعد از آغاز پرواز، بدنه هواپیما شروع به یخ بستن کرد و وزن اضافه این یخ‌ها به موتور فشار آورد. در نتیجه همین مسئله، سه موتور آتش گرفتند و باید خاموش می‌شدند. درحالی که تنها سه موتور دیگر باقی مانده بود، B-36 با سرعت ۵۰۰ پا بر دقیقه شروع به از دست دادن ارتفاع کرد.

**با سقوط هواپیما، خدمه جا می‌زند**



کاپیتان هارولد بری و خدمه‌اش سریع واکنش نشان می‌دهند. نخستین دستورشان از بین بردن بمب اتم بود؛ به خاطر پروتکلی نظامی که نمی‌خواهد سلاح یا قطعاتش به دست دشمن بیفتد. اما وقتی کمک خلبان دکمه پرتاب بمب را فشار داد، هیچ اتفاقی نیفتاد. یک بار دیگر فشارش دارد، درها باز شد و Mark IV در اقیانوس آرام افتاد؛ جایی که به گزارش خدمه، مواد منفجره فعال شدند و بمب از بین رفت.

بری هواپیمای آسیب‌دیده را در حالت اتوپایلوت گذاشت تا به سمت اقیانوس بی‌انتها برود. خودش و خدمه‌اش هم در تاریکی شب بر فراز جزیره پرینسس رویال در کرانه بریتیش کمبیا چترهایشان را باز کردند. B-36 بی‌خدمه ۲۰۰ مایل دیگر پرواز کرد تا بالاخره از مسیر خارج شد و به کوه کلوگت در اعماق طبیعت دورافتاده کانادا برخورد کرد.

**هیچ‌چیز یافت نشد**



انفجار بمب اتم

با وقوع این اتفاقات، نیروهای آمریکایی و کانادایی یک ماموریت عظیم امداد و نجات ترتیب می‌دهند و ۴۰ هواپیما کرانه‌های یخ‌زده را زیر و رو می‌کنند. به لطف تلاش‌هایشان، ۱۲ نفر از خدمه ۱۷ نفره زنده می‌مانند، از جمله مردی که با چتر نجاتش و قوزکی پیچ‌خورده از درخت سر و ته آویزان بود. اما پنج تن از اعضای خدمه، از جمله کاپیتان تئودور شرایر اسلحه‌ساز، هیچوقت پیدا نشدند.

ارتش ایالات متحده با خدمه مصاحبه کرد و همه آن‌ها گزارش کاپیتان بری مبنی بر انفجار ایمن Mark IV را پیش از سقوط تایید کردند. در همین حین، جستجو برای لاشه هواپیما ادامه یافت، چرا که تنها راه برای کشف حقیقت در داستان خدمه بود.

تیم جستجوی نیروی هوایی آمریکا نتوانست ردی از هواپیما بیابد و بنابراین فرض کرد که درون اقیانوس آرام سقوط کرده است. اما سه سال بعد، یک ماموریت نجات کانادایی برای معدن‌یابی گمشده به کشف لاشه در بالای کوه کلوگت منجر شد.

نیروی هوایی سعی کرد سه گروه مختلف را به محل سقوط دورافتاده بفرستد، اما هر سه تیم به خاطر آب و هوای بد مجبور به بازگشت بودند. بالاخره در سال ۱۹۵۴، یک تیم تخریب کوچک به B-36 سقوط کرده رسید و تمام هواپیما را برای یافتن تجهیزاتاتی که باید نابود می‌شدند زیر و رو کرد.

**تئوری‌های بمب گمشده**



از آنجایی که گزارش تیم تخریب شدیداً محرمانه بود، هیچ صحبتی در مورد محل تقریبی بمب اتم گمشده به میان نیامد. آیا شواهدی از پرتاب بمب پیش از برخورد در لاشه وجود داشت؟ در نبود مدرک مستدل، شایعاتی درباره سرنوشت حقیقی بمب گمشده پخش شد. تمام شایعات پیرامون کاپیتان شرایر، اسلحه‌ساز گمشده بود.

برخی مدعی بودند که پاسخی برای ماجرای بمب گمشده دارند. اول شایعه شد که یک جسد در لاشه کوه کلوگت یافته شده. آیا ممکن بود شرایر باشد؟ او پیشتر خلبان خطوط هوایی بود و ممکن بود زمانی که بقیه جا زدند، هواپیما را به سمت آلاسکا برده باشد.

بعد آتش تئوری‌های توطئه زبانه کشید. کسی دیگر ادعا می‌کرد کاپیتان بری چرخیدن جهت بمب‌افکن را پیش از آنکه چترش در آسمان باز شود دیده است. این داستان نقل می‌شد که بمب هیچوقت از هواپیما جدا نشده و شرایر سعی کرده آن را در کمال امنیت به مقر نیروی هوایی برگرداند.

البته که هیچکدام از شایعات توسط ارتش تایید نشدند و بیش از نیم قرن بعد، ماجراجویان و کاشفان تازه‌کار به محل سقوط پرواز ۲۰۷۵ سر می‌زدند تا ببینند چیز ارزشمندی یافت می‌شود یا خیر.

**کشفی جالب**



در سال ۲۰۰۳ میلادی، یک تیم کاوش به رهبری جان کلروتر، متخصصی کانادایی در زمینه سلاح‌های اتمی و تاریخچه بمب‌های گمشده، به محل سقوط رفت تا ارزیابی خودش را داشته باشد. در نخست به نظر می‌رسید بیشتر اجزای هواپیما توسط تیم تخریب سال ۱۹۵۴ از بین یا توسط غارتگران ماجراجو به سرقت رفته باشد.

اما آن‌ها چیزی جالب کشف کردند.

در حالی که سقوط و تیم تخریب بسیاری از تجهیزات انبار بمب را نابود کرده بودند، گیره بمب که آن را سر جای خود نگه می‌دارد به شکل قابل تحسینی دست‌نخورده باقی مانده بود. کلروتر و تیمش نتیجه گرفتند اگر بمب همراه با هواپیما سقوط کرده بود و گیره در چنین شرایط خوبی باقی مانده، باید شواهدی مشخصی از وجود بمب در لاشه دیده می‌شد. اما هیچ‌چیز به چشم نمی‌خورد.

توضیح رایج‌تر برای نخستین پیکان شکسته آمریکا احتمالا سناریوی واقعی باشد: اینکه بقایای Mark IV برای همیشه به اعماق اقیانوس آرام رفته.

سقوط پرواز ۲۰۷۵ شاید نخستین پیکان شکسته را رقم زده باشد، اما این آخرین بار نبود. کلروتر می‌نویسد که تنها در ۲۴ سال نخست عصر اتمی، ایالات متحده و جماهیر شوروی مجموعاً ۲۳ بمب اتمی گم کرده‌اند.

[دیجیاتو](#)